

### جستاری در ضرورت توسعه مسئولیت ناشی از عمل غیر به احزاب سیاسی

- ۱- الهام صادقی راد (نویسنده مسئول) استادیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، صندوق پستی ۴۶۹۷-۱۹۳۹۵، تهران، ایران، ایمیل: [Elhamsadeghirad@pnu.ac.ir](mailto:Elhamsadeghirad@pnu.ac.ir)
- ۲- منصوره بکائی، استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور، صندوق پستی ۴۶۹۷-۱۹۳۹۵، تهران، ایران، ایمیل: [bokaei@pnu.ac.ir](mailto:bokaei@pnu.ac.ir)

#### چکیده

منتخبین احزاب به عنوان نمایندگان سیاسی مردم در بالاترین سطوح مقامات دولتی و تقنینی ممکن است مرتکب مفاسد سیاسی و مالی شوند. جبران خسارات مترتب بر این مفاسد **توسط** این نمایندگان گاهی دشوار و **حتی** غیر ممکن **به نظر می رسد**. نقش حزب در مرحله مسئولیت و جبران خسارت آن نادیده گرفته شده و حلقه ای مفقوده است. به تعبیری احزاب از مسئولیت ناشی از تخلفات و جرایم سیاسی \_ اداری نمایندگان خویش رهایی یافته‌اند. به نظر می رسد راه چاره، قیاس مسئله با مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر است.

جستار حاضر درصدد است با ذکر نمونه‌هایی از مسئولیت‌های مدنی ناشی از فعل غیر و مسئولیت متبوع ناشی از فعل تابع در فقه و حقوق ایران، و با توجه به احراز نوعی از رابطه گماشتگی بین حزب و منتخب آن، برای احزاب به عنوان متبوع مسئولیت نیابی بر خسارات ناشی از فساد اداری \_ مالی منتخبین خود به عنوان تابع اثبات نماید.

کلید واژه: احزاب سیاسی، مسئولیت مدنی متبوع ناشی از فعل تابع، فساد اداری - مالی، منتخبین احزاب، رابطه گماشتگی

در دنیای پرمخاطره امروز با پیچیدگی‌های روزافزون مناسبات و روابط داخلی و خارجی کشورها، به نظر می‌رسد اگر فردی بدون پشتوانه و به صورت مستقل وارد کارزار مشاغل مهم و رده بالای سیاسی شود و مرتکب یکی از مصادیق فساد سیاسی-اداری گردد، استطاعت لازم برای پاسخگویی به طور مستقل و بدون پشتوانه را ندارد و این امر از هدف مسئولیت مدنی در خصوص جبران کامل خسارت فاصله قابل تاملی دارد. فقه، حقوق داخلی و حقوق بین‌المللی در حقوق خصوصی هرچنان نگران عدم انجام تعهدات است، شرایط مناسبی برای تضمین، تضامن و التزام به صور مختلف پیش‌بینی نموده است و مقوله مسئولیت مدنی نیز از این امر مستثنی نیست. ظهور برخی نظریه‌های جدید در بستر مسئولیت مدنی بازتاب‌نگرانی نسبت به جبران خسارت کامل است. در سیستم حقوقی ایران، مرتکب مفاسد سیاسی-اداری، در مقوله مجازات‌ها (اعم از جزای نقدی) و اقدامات تأمینی صرفاً در قالب‌های معاونت، مباشرت و شراکت قابل تعقیب است. مسئولیت جبران خسارت مترتب بر این جرایم نیز در یکی از سه قالب پیش‌گفته در مقوله دعاوی خصوصی مترتب بر این اعمال قابل پیگیری است و در صورت عدم توانایی منتخب فاسد، جبران خسارت در نهایت به بیت‌المال یا به تعبیری همه مردم تحمیل خواهد شد. بدین ترتیب در نظامی که احزاب و گروه‌های سیاسی در شکل‌گیری افکار عمومی و انتخاب مردم تأثیر گذارند و نیز رابطه گماشتگی و کارگزاری بین حزب و نماینده منتخب قابل احراز است، نقش حزب در مرحله مسئولیت‌ها و جبران‌ها به طور مستقیم نادیده گرفته شده و گویی حلقه‌ای مفقوده است و به طور مستقیم، احزاب از مسئولیت ناشی از تخلفات و جرایم سیاسی-اداری نمایندگان خویش رهایی یافته‌اند.

جستار حاضر درصدد است به این سوالات پاسخ دهد که معنا و ماهیت مسئولیت احزاب ناشی از فعل غیر در مفاسد سیاسی چیست؟ آیا احزاب سیاسی بر طبق نظام حقوقی ایران می‌توانند در مفاسد سیاسی نمایندگان خود مسئولیت ناشی از فعل غیر یا به تعبیری مسئولیت نیابتی داشته باشند؟

پیش از پاسخ به این سوالات ابتدا لازم است امکان تحقق شخصیت حقوقی برای احزاب را طبق قوانین ایران بررسی نماییم. همچنین با معنا و مفهوم فساد سیاسی، امکان تحقق آن توسط اشخاص حقوقی در قوانین ایران آشنا شویم.

## ۱. شخصیت حقوقی حزب

بررسی دیدگاه اکثریت نویسندگان درخصوص احزاب سیاسی جدید نشان می‌دهند ایشان بر چهار رکن ضروری در تعریف احزاب تأکید ورزیده‌اند و از خلال این شاخصه‌ها کوشیده‌اند حزب را از سایر تشکیلات سیاسی و اجتماعی متمایز سازند؛<sup>۱</sup>

الف) وجود سازمان و تشکیلات پایدار به گونه‌ای که استقلال حیات سیاسی حزب از بنیانگذاران آن را فراهم آورده، همچنین تداوم و استمرار آن را امکان‌پذیر نماید.<sup>۲</sup>

ب) سازمان مستقر در محل و وجود شعب و زیرمجموعه‌هایی که در سطح ملی فعالیت مستمر و منظم و متقابل داشته باشند.

<sup>۱</sup> خرمی، قاسم. «توسعه نیافتگی فرهنگ سیاسی و ناکارآمدی احزاب سیاسی ایران» (پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷)،

۳۰-۲۶

<sup>۲</sup> همان

ج) کسب قدرت رهبران ملی و محلی هدف اساسی احزاب است نه اعمال نفوذ.<sup>۳</sup>

د) از ویژگی‌های بارز حزب، تلاش برای کسب حمایت عمومی به ویژه از طریق انتخابات است.<sup>۴</sup>

در نظام جمهوری اسلامی ایران در قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی ماده ۱، بند ۱، حزب اینگونه تعریف شده است:

«تشکیلاتی است متشکل از اشخاص حقیقی که با برنامه مشخص در جهت کسب و مشارکت در قدرت سیاسی و نقد و اصلاح آن، در چهارچوب قوانین و مقررات نظام جمهوری اسلامی ایران و بر اساس مرام نامه و اساسنامه مصوب خود در سطح ملی یا استانی فعالیت می‌کنند. حزب می‌تواند تحت عناوین دیگری مانند گروه، انجمن، جامعه، مجمع و سازمان سیاسی فعالیت کند».

مقایسه این تعریف با ضوابط و معیارهای ارائه شده از حزب در علم سیاست نشان‌دهنده وجود تفاوت‌های قابل تامل و حتی نقد برانگیز است. تجویز استفاده از عناوین دیگری مانند گروه، انجمن و... در این مقرر قانونی، ماده را به سمت ابهام و لزوم تفسیر هدایت کرده است. تفاسیری که می‌توانند متعارض و متناقض باشند.

شخصیت حقوقی حزب از جهت تحقق مسئولیت برای احزاب ضروری است. در مجموع با **نظر به مطالبی که از نظر خواهد گذشت** می‌توان ادعا کرد که شرایط شناسایی شخصیت حقوقی برای احزاب در قوانین ایران فراهم است. در آموزه‌های علم حقوق اشخاص در دو دسته اشخاص حقیقی و اشخاص حقوقی قرار می‌گیرند. شخص حقوقی به شرکت‌ها و نهادها و مؤسساتی اطلاق می‌شود که با تجویز مقنن و به صورت مستقل از اشخاص حقیقی تشکیل‌دهنده آنها، شکل گرفته و دارای حقوق و تکالیف و نیز دارایی مستقل از پدیدآورندگان خود هستند. بر اساس یکی از تعاریف ارائه شده «شخصیت حقوقی عبارت از مجموعه اموال یا اشخاص است که برای تحقق هدفی معین و مطابق ضوابط یا تشریفات خاصی شکل یافته و صلاحیت دارا شدن حقوق و تکالیف مستقل را دارد».<sup>۵</sup>

همان‌طور که از نظر گذشت، بنا بر نص صریح قانون در بند ۱ ماده ۱ قانون فعالیت احزاب، حزب توسط گروهی از اشخاص حقیقی<sup>۶</sup> شکل می‌گیرد و اشخاص حقوقی قادر به ایجاد آن نیستند. این امر همچنین در ماده ۲ آیین نامه اجرایی قانون فعالیت احزاب، جمعیتها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده تصریح شده است. این مقرر همچنین بر این گزاره صحنه می‌گذارد که «حزب از مصادیق بارز شخصیت حقوقی می‌باشد».

لزوم وجود اساسنامه و هیئت موسس برای تشکیل احزاب نیز از خصیصه‌های ضروری برای داشتن شخصیت حقوقی است. امری که در بند ۱۲ ماده ۱ قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی مورد تاکید است.

بنا بر رویکرد مبتنی بر قانون مذکور، احزاب واجد شخصیت حقوقی هستند. تحقق شخصیت حقوقی در عالم اثبات نیازمند رعایت تشریفات از جمله اطلاع وزیر کشور از مسیر فرمانداری‌ها و نیز انتشار اساسنامه حزب در روزنامه رسمی است.<sup>۷</sup>

<sup>۳</sup> همان

<sup>۴</sup> تقیب زاده، احمد. حزب سیاسی و عملکرد آن در جوامع امروز (تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۸)، ۱۳.

<sup>۵</sup> پاسبان، محمد رضا. حقوق شرکت‌های تجاری (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۹)، ۱۳.

<sup>۶</sup> ماده ۱- اصطلاحات به کار رفته در این قانون دارای معانی مشروح زیر می‌باشد: ۱- حزب تشکیلاتی است متشکل از اشخاص حقیقی...»

<sup>۷</sup> همانند حکم تبصره ۲ ماده ۵ آیین نامه اجرایی قانون فعالیت احزاب

نکته حائز اهمیت در **مقایسه** شخصیت حقوقی شرکت با **شخصیت حقوقی احزاب**، مسئولیت مترتب بر مؤسسين و مديران در صورت عدم ثبت است. در قانون تجارت، در صورتی که شرکت در قالب یکی از شرکت‌های مندرج در قانون انسجام نیابد و به ثبت نرسد، شرکت مزبور تضامنی محسوب خواهد شد، افزون بر این شرکاء متحمل جریمه نقدی و مجازات نیز خواهند بود. علاوه بر ضمانت اجرای بیان شده، طبق ماده ۱۹۸ چنین شرکتی محکوم به بطلان است، این در حالی است که هیچ یک از شرکا نمی‌توانند این بطلان را در مقابل اشخاص ثالثی که با آنها معامله کرده‌اند، مورد استناد قرار دهند. بر این اساس و بدون تردید رویکرد قانون تجارت و ضمانت‌های مقرر شده در حمایت از اشخاص ثالث و جامعه از بعد اقتصادی اثربخش و ضروری است، لکن آیا در مقوله‌های سیاسی که گاه همه جوانب مختلف زندگی اجتماعی را در بر می‌گیرد، چنین ضمانت‌های اجرایی در نظر گرفته شده است؟ آیا آسیب‌شناسی عدم ثبت گروه‌ها و انجمن‌ها و احزاب سیاسی از اولویت‌های قانون فعالیت و احزاب سیاسی است؟ پاسخ به این سوالات ضرورتی است که پژوهش‌های جداگانه‌ای می‌طلبند که این نوشتار مجال پرداختن به این مقوله را ندارد.

هر شخصیت حقوقی دارای متمایز و مخصوص به خود دارد و از آنجا که حزب شخصیت حقوقی است، لذا از این مقوله مستثنی نمی‌باشد. در قانون به منابع درآمد حزب اشاره شده است.

حزب مانند سایر نهادهای مدنی برای حضور و فعالیت مثمر و مستمر نیازمند فراهم آوردن امکانات و ابزاری است که گاه پرهزینه هستند و یکی از راه‌های تامین منابع مالی احزاب روی آوردن به کمک‌های دولتی است که با اختصاص یارانه به احزاب و گروه‌ها می‌توان بر فعالیت‌های مالی آنان نظارت بیشتری داشت. بدون شک تامین این هزینه‌ها از طریق تغذیه احزاب از پول آلوده یا وابسته به بیگانگان یا گروه‌های فشار صاحب ثروت، منجر به ایجاد چرخه فساد در فرایند دموکراسی خواهد شد.<sup>۸</sup>

شفافیت مالی و نظارت موثر و مستمر بر کمک‌های نامشروع و منابع غیر قانونی احزاب به منظور جلوگیری از فسادهای مالی احزاب می‌تواند نقطه عطفی در جلوگیری از این آسیب باشد. در ایران منابع مالی نامشروع در ماده ۱۸ قانون احزاب به صورت مختصر مورد اشاره قرار گرفته است.

**با توجه به مطالبی که از نظر گذشت** بر اساس نظام حقوقی ایران احزاب دارای شخصیت بوده و لذا می‌توانند نوک پیکان مسئولیت‌های کیفری، اداری و مدنی قرار گیرند. ماده ۱۸ قانون احزاب جرایم و تخلفاتی را برای احزاب پیش بینی نموده است. همچنین ضمانت‌های اجرایی نیز در ماده ۱۹ همین قانون مندرج است.

چنانکه از متن دو ماده مذکور استنباط می‌گردد، علی‌رغم اینکه بر اساس این قانون، رسیدگی به جرایم و حکم قضایی مفروض است لکن این قانون رویکرد و نگاه جرم‌نگارانه ندارد، صرفاً برخی تخلفات را نام برده است. همچنین در قانون مجازات به طور خاص در خصوص جرایم احزاب سخنی به میان نیامده و صرفاً از آنجا که جرایم توسط اشخاص حقوقی قابل ارتکاب هستند و مجازات‌هایی برای اشخاص حقوقی در نظر گرفته شده است، احزاب نیز می‌توانند به عنوان مباشر، شریک یا معاون جرم قابل پیگرد باشند.

<sup>۸</sup> رنجبر، احمد، تامین مالی احزاب سیاسی (بررسی تحلیلی مقایسه‌ای) (تهران: دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷)، ۷.

## ۲- فساد سیاسی، فساد اداری

در دنیای پیچیده امروز مناسبات و ارتباطات، با اشکال متنوعی از فساد جلوه‌گری می‌کنند. از این‌رو ارائه تعریفی جامع و مانع از فساد سیاسی و اداری امری سخت و ممتنع به نظر می‌رسد. نگاهی دقیق به مصادیق متنوع فساد گویای آن است که همه انواع فساد، اعم از فساد سیاسی و اداری در یک نقطه مشترک هستند که عبارت است از وجود انگیزه و منافع سوء برای برخی از افراد. جهت برآورده شدن این منافع، اقداماتی نظیر رشاء و ارتشاء در سرلوحه کار قرار می‌گیرد و یا تلاش می‌شود با تسخیر دولت جریان منافع و قوانین تغییر نماید. وجه افتراق فساد سیاسی و اداری، بیش از ابزارها و روش‌های مورد استفاده باید در سطح سیاسی و اداری افراد کنشگر در این خصوص جستجو نمود. در فساد اداری، کسانی که رشوه می‌گیرند کارمندان یا بازرسان مجری قانون هستند، حال آنکه در فساد سیاسی، سطوح بالاتر سیاسی و اداری کنشگری می‌نمایند. براین اساس می‌توان قائل به عموم و خصوص من وجه بین این دو نوع فساد شد.

از این روی می‌توان گفت فساد سیاسی عبارتست از: استفاده از قدرت از سوی مقامات دولت در بالاترین سطح و نیز افراد منتخب شامل قانونگذاران یا شبکه مرتبط با ایشان به منظور کسب منافع نامشروع خصوصی (فردی یا گروهی). نظر به دامنه قدرت و توان عملکرد کنشگران، مختصات فساد سیاسی می‌تواند به گستردگی همه بخش‌های جامعه اعم از اقتصادی، علمی و غیره باشد.<sup>۹</sup> در واقع فساد سیاسی در بستر فرایندها و مناسبات‌های سیاسی و ارتباطات شکل گرفته بین بازیگران این عرصه نمایان می‌گردد و در قالب‌های متنوعی همچون رشوه، اخاذی، دریافت تسهیلات، کلاهبرداری، تبانی، خویشاوندسالاری و اختلاس ظاهر می‌گردد.<sup>۱۰</sup> فساد سیاسی گاه از طریق کسب امتیاز یا منابع<sup>۱۱</sup> محقق می‌گردد و گاه در کالبدهای حفظ قدرت<sup>۱۲</sup> و گاه در قالب تلفیق این دو روش<sup>۱۳</sup> می‌گنجد.

## ۲-۱- فساد اداری در قوانین ایران

طبق ماده ۱ «قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد» مصوب ۱۳۹۰، «فساد در این قانون هرگونه فعل یا ترک فعلی است که توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی به صورت فردی، جمعی یا سازمانی که عمداً و با هدف کسب هرگونه منفعت یا امتیاز مستقیم یا غیرمستقیم برای خود یا دیگری، با نقض قوانین و مقررات کشوری انجام پذیرد، یا ضرر و زیانی را به اموال، منافع، منابع یا سلامت و امنیت عمومی و یا جمعی از مردم وارد نماید؛ نظیر رشاء، ارتشاء، اختلاس، تبانی،

<sup>۹</sup> ژولین فروند، جامعه‌شناسی ماکس وبر، ترجمه عبدالحسین نیک‌گوهر (تهران: توتیا، ۱۳۸۳)، ۴۴.

<sup>۱۰</sup> استوارت هیوز، آگاهی و جامعه، ترجمه عزت‌الله فولادوند (تهران: آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹)، ۲۸۶.

<sup>۱۱</sup> در این شیوه کارگزاران سیاسی دولت از قدرت خود در جهت کسب امتیاز و انباشت منابع از طرقی مانند رشوه، اختلاس اقدام می‌کنند. مواردی

همچون فرایند خصوصی سازی، تخصیص زمین، قراردادهای عمومی، قرض و ترجیحاتی که به نفع صاحبان ادارات

<sup>۱۲</sup> استفاده فاسد از قدرت سیاسی برای حفظ قدرت و گسترش آن نوع دیگری از فساد سیاسی است که می‌تواند در خلال اعمالی همچون خرید

یا کسب حمایت سیاسی از طریق پارتی بازی، جذب مشتری یا اصطلاحاً حامی پیرو گزینش و سیاست حمایتی یا پشتیبانی سیاسی و خرید رای محقق گردد. ابزارهای مانند توزیع منابع مادی و مالی مثل (پول و هدیه) و یا اعطای ارزشهای سمبولیک شبیه اعطای پست‌های سیاسی و مقام و ... در این زمینه قابل شمارش هستند

<sup>۱۳</sup> بسیاری از مفاسد سیاسی کلان معمولاً شامل هر دوروشاستاست. رشاء و ارتشاء درمقیاس بزرگ به طور معمول زمانی محقق می‌شود که پول بدست آمده جهت کسب حمایت سیاسی به کاررود(احمد صباحی، سعید ملک‌الساداتی، «اثر کنترل فساد مالی بر رشد اقتصادی»، فصلنامه بازرگانی ۵۳ (۱۳۸۸)، ۱۳۴-۱۳۹)

سوءاستفاده از مقام یا موقعیت اداری، سیاسی، امکانات یا اطلاعات، دریافت و پرداخت‌های غیرقانونی از منابع عمومی، انحراف از این منابع به سبب تخصیص‌های غیرقانونی، جعل، تخریب یا اختفاء اسناد و سوابق اداری و مالی.»

بر اساس این ماده، فساد، سوءاستفاده از اختیارات قانونی است. بر اساس رویکرد قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، به فساد به عنوان یک بزه اصیل نگریسته نشده، بلکه فساد در واقع پیامد بزه‌های مالی نظیر ارتشاء، پولشویی، اختلاس و تصرف غیر مجاز در اموال دولتی است. بنابراین فساد برای بزهکاران یقه سفید و دارای مقام و قدرت است.

افزون بر این، فساد تنها شامل بخش دولتی و حاکمیتی نیست. فساد در بخش خصوصی از یک سو و نیز در فرایندهای خصوصی سازی اقتصادی نیز وارد است. همچنین مطابق نص صریح قانون مذکور، فساد تنها سودجویی نیست، بلکه زیان رسانی هم است و تنها چهره مالی ندارد، بلکه با اسناد مالی نیز مرتبط می‌باشد.

هرچند در این ماده در خصوص شخص حقوقی صحبت شده اما در رابطه به چگونگی مسئولیت او سخنی به میان نیامده است. آیا در صورت مداخله مدیران و اداره کنندگان و تابعین شخصیت حقوقی متوجه شخصیت حقوقی خواهد شد؟ ماهیت این مسئولیت چگونه است؟

در این نوشتار، به طور خاص، مقاماتی که به مناسبت برگزاری انتخابات برای کسب جایگاه کنونی وابستگی واضحی به یکی از احزاب یا گروه‌های سیاسی داشته‌اند، مطمح نظرند. اشخاصی که به شکل معنا داری حمایت مالی و تبلیغاتی احزاب، انجمن‌ها و یا گروه سیاسی در گزینش آنها توسط مردم اثرگذار بوده است. این نوشتار بر حوزه دارای همپوشانی بین این دو مفهوم (فساد اداری - فساد سیاسی)، آنگاه که بالمباشره، به عنوان شریک یا معاون توسط منتخب حزب در حوزه فساد مالی رخ می‌دهد، متمرکز است.

دامنه قوانین عادی به اندازه‌ای وسیع و گسترده است که ذکر تمام قوانین و مقررات مربوط به آنها که حاوی احکام و تکالیفی در خصوص فساد مالی باشد، مشکل به نظر می‌رسد. در واقع می‌توان یکی از منافع مهم بروز مفاسد را همین تعدد قوانین دانست که با توجه به دشواری موجود صرفاً قوانین و مقررات مهم ذکر می‌شوند:

قانون مجازات اخلاالگران نظام اقتصادی کشور، قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی، قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی، قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی، مقررات جزایی قانون دیوان محاسبات، قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس (مصوب ۷۵)، قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس، واردکنندگان، توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان اسکناس مجعول، قانون مجازات مرتکبین قاچاق، قانون تعزیرات حکومتی، قانون مبارزه با پولشویی و در نهایت مواد ۵۸۸ تا ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۵).

از نقطه نظر مسئولیت مدنی انگونه که در اصل ۴۹ قانون اساسی نیز مورد تاکید قرار گرفته است، « دولت موظف است ثروت های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه کاریها و معاملات دولتی، فروش زمین های موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود.»

## ۲-۲- مسئولیت مدنی ناظر بر خسارات ناشی از فساد سیاسی

در جرایم و تخلفات مالی در حوزه فساد سیاسی \_ اداری نیز همچون سایر جرایم، مدعی علیه شخصی است که دعوا به طرفیت او اقامه می‌شود و مطابق معمول در حیطة جرایم و تخلفات همان مباشر یا شریک یا معاون جرم است. اصل شخصی بودن مجازات و اقدامات تامینی و تربیتی ایجاب می‌کند که دعوای ناشی از جرم همیشه علیه متهم (مباشر اصلی، شریکان و یا معاونان) اقامه گردد، زیرا در واقع هدف از تعقیب دعوای عمومی این است که مجرم به کیفر اعمال خود برسد و نیز تربیت و اصلاح شود. مثلاً به جای مجرم صغیر یا مجنون نمی‌توان اولیای قانونی آنان را تعقیب کرد و مجازات نمود.

در دعوای خصوصی ناشی از جرم، هدف ترمیم و جبران ضرر و زیان است، هرچند در نگاه نخست این نحو خسارات نیز باید از مجرم اخذ شود، اما مطالعه سیستم‌های مسئولیت مدنی نشان می‌دهد در برخی موارد بدون در نظر گرفتن قواعد عام خود در مسئولیت و ضمان و نظر به اهمیت تضمین کامل جبران خسارت، مسئولیت نیابتی یا مسئولیت ناشی از فعل غیر به شکل قانونمند توصیه شده است.

به نظر می‌رسد بر اساس مجموعه مقررات نظام جمهوری اسلامی ایران، در صورت وجود مفاسد سیاسی \_ اداری توسط منتخبین حزب، تنها در صورتی می‌توان مسئولیت را به شخصیت حقوقی حزب منتسب نمود که به عنوان شریک یا معاون مداخله در فعل داشته باشد یا بر اساس ائتلاف و تقصیر بتوان مسئولیت مدنی را به نحوی بر او بار نمود. این در حالی است که در بسیاری از موارد این مهم امکان‌پذیر نیست.

### ۳- مسئولیت متبوع ناشی از عمل تابع

در حقوق مسئولیت مدنی جبران کامل خسارات زیان‌دیده در صدر اهداف است. از این روی شاهد نوآوری‌ها و تدابیر جدیدی در مسئولیت مدنی هستیم که از قواعد سنتی فاصله گرفته و تلاش کرده‌اند دیدگاه‌های اقتصادی‌تر به مسئولیت مدنی و مقوله جبران خسارت را مطرح نظر قرار دهند. در این دست تدابیر تلاش گردیده با پیش بینی تدابیر لازم برای جبران خسارت کامل، وضعیت زیان دیده به زمان پیش از قرارداد باز گردد.<sup>۱۴</sup>

مسئولیت ناشی از فعل غیر<sup>۱۵</sup> که امروزه به عنوان یک اصل از اصول مسئولیت مدنی شناخته می‌شود، در همین راستا ایجاد شده است.<sup>۱۶</sup>

این نوع از مسئولیت انواع مختلف دارد. یکی از اقسام آن «مسئولیت متبوع ناشی از عمل تابع»<sup>۱۷</sup> است.<sup>۱۸</sup> این مسئولیت ریشه در حقوق رم دارد.<sup>۱۹</sup> از آن روی که مسئولیت متبوع اصولاً با رابطه کاری شروع می‌شود، در نگاه نخست این نظریه مشابه مسئولیت کارفرما ناشی از عمل کارگر باشد، اما بررسی عمیق‌تر و توجه به رویه قضایی و دکترین حقوقی در فرانسه نشان می‌دهد این نظریه فراتر از بحث مسئولیت کارفرما ناشی از عمل کارگر است.<sup>۲۰</sup> در ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه آمده است: «اربابان و متبوعین در انجام وظایفی که به کارکنان و تابعان خود محول ساخته‌اند، مسئول پرداخت خسارات

<sup>۱۴</sup> امین زین الدینی، «مسئولیت نیابتی، تطبیقی در حقوق ایران و انگلیس، فصلنامه بین المللی قانون یار» دوره سوم، شماره دهم، (۱۳۹۸)، ۵۱.

<sup>۱۵</sup> Le principe general de responsabilite du fait d autrui

<sup>۱۶</sup> ; Philippe Malinvaud, Droit des Obligations (France: 9e, ed. LexisNexis. LITEC: 2005), 334; Cabrillac.Remy.Droit des obligations (France, 8 é éd.Dalloz, 2008), 203; Fabere- Megan, Muriel, Droit des Obligation. Responsabilite civile et Auasi-contracts. (France: 1é, éd. Presses uniersitaires de France, 2007)318.

<sup>۱۷</sup> La responsabilite du commettant du faitdu son prepose

<sup>۱۸</sup> Genevieve Viney, Patrice Jourdian, Traite de Droit Civil. Les Condition de la Resposabilité Civile. (France: 2é. éd. Librairie Générale de Droit et de Jurisprudence, 1998), 861.

<sup>۱۹</sup> Philippe, Delebecque, Frederic Jérôme pansier, Droit des Obligations (France: 4 é, éd, LexisNexis, 2008), 155.

<sup>۲۰</sup> Christophe, Radé, "Droit a Réparation. Responsabilité du fait d'autrui. Domaine: Responsabilite des Commettants". Responsabilité Civile et Assurances, (2007), 1.

ناشی از اعمال آنها می‌باشند». این بند توسط «پوتیه» حقوقدان فرانسوی وارد قانون مدنی فرانسه شده و به رغم اصلاحیه های متعدد بندهای دیگر این ماده، بند مذکور تا کنون ثابت مانده است.<sup>۲۱</sup>

به عقیده نویسندگان مسئولیت نیابتی در کامن لو و مسئولیت ناشی از فعل غیر در نظام نوشته دو روی یک سکه اند. هرچند برخی این نوع از مسئولیت را خلاف اصل شخصی بودن مسئولیت تلقی می نمایند، اما مخالفان این نظر ادله استواری را ارایه می دهند که نشان می دهد این نوع مسئولیت استثنایی بر اصل شخصی بودن مسئولیت نیست. از این رو نیاز نیست همه مصادیق در قانون ذکر شود و قابلیت تعمیم دارد.<sup>۲۲</sup>

مسئولیت ناشی از فعل غیر یا مسئولیت نیابتی صرفا ناشی از انتساب تقصیر به جبران کننده زبان نیست بلکه می توان عواملی مانند توانایی بالقوه کنترل عامل زیان و احساس مسئولیت کسی که امکان کنترل زیان را دارد باشد، و یا قدرت بالای جبران خسارت از طرف فرد جبران کننده، نماندن ضرر جبران نشده و توزیع خسارت و خطر بین اکثر افراد مرتبط را عنوان نمود و در عین حال امکان انتساب تقصیر به جبران کننده زیان مسئولیت نیابتی نیز در مواردی مشابه سه وضعیت زیر متصور است:

۱- مسئول نیابتی به دلیل وضعیت خاص دیگری مکلف به مراقبت از وی باشد که در صورت تقصیر مسئول پرداخت خسارت است. مثل ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی

۲- شخصی بر روی فعالیت دیگری دارای کنترل و نظارت است. مثل ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی

۳- هنگامی که در یک قرارداد اجرای تعهدات متعهد قانونا یا حسب قرار داد بر عهده دیگری است. مثل ماده ۲۴ شرایط شرایط عمومی پیمان<sup>۲۳</sup>

در ایران مصادیق دیگری چون مسئولیت عاقله خویشاوندان، بیت المال ضمان جریره جنایت مغیث با اجرت ضمان عبد ضمان صبی ضمان مجنون ضمان حرکت در میدان تیر مستلزم مسئولیت نیابتی است. که جبران خسارت در برخی از آنها از باب همبستگی اجتماعی و عدالت توزیعی است نه اقتداری که شخص بر شخص دیگری دارد.<sup>۲۴</sup>

مفهوم قاعده کلی مسئولیت ناشی از فعل غیر که در رای به لیک<sup>۲۵</sup> ۱۹۹۱ در فرانسه مطرح شده، این است که هر جا حقوق به شخص اقتدار می دهد تا از دیگری مراقبت کند یا فعالیت وی را هدایت و کنترل نماید، مسئول خساراتی است که از فعل شخص تحت مراقبت یا کنترل وارد شده است، حتی اگر در قانون به عنوان مصداق ذکر نشده باشد؛ بنابراین منظور از قاعده این نیست که بدون ضابطه بتوان مسئولیت فعل خطایی شخصی را بر دیگری تحمیل نمود؛ بلکه این امر بدیهی است که وقتی شخصی اقتدار بر مواظبت و مراقبت دیگری دارد و یا حق کنترل فعالیت دیگری داشته باشد، باید مسئولیت اعمال شخص تحت کنترل را نیز داشته باشد. در حقوق ایران گرچه مصادیقی از مسئولیت ناشی از عمل غیر مانند مسئولیت سرپرستان نسبت به اعمال اشخاص تحت سرپرستی و یا مسئولیت کارفرمایان نسبت به اعمال کارگران خویش وجود دارد؛

<sup>۲۱</sup> Genevieve Viney and Patrice Jourdian. Traite de Droit Civil. Les Condition de la Resposabilité Civile (France: 2é. éd. Librairie Générale de Droit et de Jurisprudence. 1998), 861.

<sup>۲۲</sup> احمد دیلمی، ناهید زند لثنی و علی جوادیه، «مبانی مسئولیت ناشی از فعل غیر در حقوق انگلستان و ایران» نشریه علمی دانش حقوق مدنی ۱۸ (۱۳۹۹)، ۶۸-۶۹.

<sup>۲۳</sup> همان.

<sup>۲۴</sup> ابراهیم اسماعیلی هریسی، مبانی حقوق پیمان (تهران: جاودانه، ۱۳۷۸)، ص ۱۹۰.

<sup>۲۵</sup> Phillipe Le Tourneau, Droit de la Resposabilité et Des Contract (France: Dollaz, 2006), 462.



لکن قاعده کلی در این زمینه وجود ندارد. می توان گفت مسئولیت ناشی از فعل غیر نه تنها استثنایی بر اصل شخصی بودن مسئولیت نیست، بلکه مصادیق آن منحصر به موارد قانونی نیست و قابلیت گسترش به هر نوع مراقبتی و کنترلی را دارد.

### ۳-۱- شرایط تحقق مسئولیت متبوع ناشی از عمل تابع

احراز رابطه تبعیت یا گماشتگی شاکله اصلی برقراری مسئولیت متبوع ناشی از عمل تابع است.<sup>۲۶</sup> امکان نظارت متبوع بر تابع و وجود ارکان مسئولیت برای تابع و نیز وقوع خسارت در هنگام انجام وظیفه و یا به سبب آن، از موارد دیگر است.

میان حقوقدانان در خصوص تعریف تبعیت و گماشتگی اختلاف نظر وجود دارد. برخی معتقدند این دو همپوشانی کامل دارند.<sup>۲۷</sup> اما عده‌ای دایره گماشتگی را وسیع‌تر ترسیم می‌نمایند و مدعی رابطه عموم و خصوص مطلق میان این دو مفهوم هستند. در واقع هر چند ممکن است در برخی مصادیق گماشتگی در نتیجه قرارداد کار ایجاد شده باشد، اما ممکن است در مصادیقی اتفاقی و موقتی بوده و یا حتی نشات گرفته از روابط مبتنی بر دوستی یا خانواده یا مانند اینها باشد.<sup>۲۸</sup> احراز همین رابطه کفایت می‌کند که بگوییم یکی تابع و دیگری متبوع است؛ چراکه این رابطه یعنی گماشتگی از سوی تابع، رابطه تبعیت و از سوی متبوع رابطه اقتدار است.<sup>۲۹</sup> برخی احراز رابطه گماشتگی را مشروط به احراز دو رکن مهم می‌دانند: نخست «رابطه اقتدار»<sup>۳۰</sup> و دیگری «فعالیت تابع در راستای نفع متبوع»<sup>۳۱</sup> <sup>۳۲</sup> اعم از اینکه چنین رابطه ای با اجرت باشد یا رایگان. در حالی که در رابطه کارگر و کارفرما رابطه مبتنی بر اجرت است.<sup>۳۳</sup>

احراز مسئولیت متبوع منوط به آن است که متبوع بر فعالیت تابع نظارت و راهنمایی داشته باشد. چنین راهنمایی و نظارتی باید در خصوص «فعالیت معینی» باشد که تابع به نفع متبوع انجام می‌دهد.

مطالعه رویه قضایی فرانسه بیانگر آن است که عنصر موثر دیگر در احراز رابطه گماشتگی «قدرت بالفعل متبوع بر نظارت و هدایت تابع» است. به این ترتیب، دیگر منشاء قراردادی یا غیرقراردادی این رابطه، دائمی یا موقتی بودن و مشروعیت و عدم مشروعیت آن مد نظر نیست. ماده ۱۷۴ قانون مدنی مصر بر آن است که حق انتخاب تابع توسط متبوع در شناسایی رابطه گماشتگی لازم نیست. (سنه‌وری، ۱۹۹۸؛ ۱/۱۱۴۵) رویه قضای فرانسه رابطه گماشتگی را در موقعیت‌های اتفاقی و کوتاه مدت نیز امکان پذیر می‌داند.<sup>۳۴</sup>

عنصر نظارت متبوع بر تابع ضروری است چنانچه متبوع بتواند جهت راهنمایی تابع دستوراتی صادر نماید و نسبت به اجرا یا عدم اجرای آنها نظارت داشته باشد، می‌توان رابطه را احراز نمود.

شرط دیگر، وجود ارکان مسئولیت (ضرر/ فعل زیانبار/ رابطه سببیت) است. در واقع جایی می‌توان متبوع را مسئول دانست که ارکان سه گانه در خصوص تابع محرز باشد.<sup>۳۵</sup>

Bacache- Gibeili, Mireille, Driot civil. Les obligations. La responsabilite civil extracontractuelle (France: T. 5. 1é, éd, Economica, 2007), 250.

Fabre- Megan, Muriel, Droit des Obligation. Responsabilite civile et Auasi-contract (France: 1é, éd. Presses uniersitaires de France, 2007), 292.

Ibidem.<sup>۲۸</sup>  
Alain Benabat, Droit Civil: les obligations (France: 10é, éd, libraire general de droitet de jurisprudence, montchrestein, 2005), 398.

Lien d autorite<sup>۲۰</sup>

Activite de prepose profitable au commetant<sup>۲۱</sup>

Ibid. 846<sup>۲۲</sup>

Steinlé-Fuerbach and Marie, Droit des Obligations (France: 1é, éd, Ellipses edition Marketing. S.A, 2008), 182.<sup>۲۳</sup>

Benabat, (OP.CIT), 398<sup>۲۴</sup>

François Terré and philippe simler and Yves Lequette, Droit Civil. Les obligations (France: 9é, éd, Dollaz, 2005), 715.<sup>۲۵</sup>

از دیگر شروط احراز مسئولیت متبوع در این نظریه، ارتکاب فعل زیانبار در هنگام انجام وظیفه یا به سبب آن است.<sup>۳۶</sup>

مسئولیت ناشی از عمل غیر در سیستم فقهی و حقوقی ایران بی سابقه نیست. با بررسی حالت‌های مختلف مسئولیت ناشی از عمل غیر در فقه و حقوق درمی‌یابیم در این گونه موارد اگرچه از نظر قواعد و مقررات و به لحاظ فنی، قابلیت استناد میان فرد مسئول و زیان موجود نیست، اما گونه‌ای ارتباط بین او و مباشر زیان قابل احراز است.

### ۳-۲- نمونه‌های مسئولیت نیابتی ناشی از فعل غیر در حقوق ایران و فرانسه

#### ۳-۲-۱- اولیاء اطفال و محجورین

بر اساس ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی «کسی که نگهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا برحسب قرارداد به عهده او می‌باشد، در صورت تقصیر در نگهداری یا مواظبت، مسئول جبران ضرر وارده از ناحیه مجنون یا صغیر می‌باشد و در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد، از مال مجنون یا صغیر زیان جبران خواهد شد و در هر صورت جبران زیان باید به نحوی صورت گیرد که موجب عسرت و تنگدستی جبران کننده نباشد». از نقطه نظر برخی حقوقدانان باید بین صغیر ممیز و صغیر ناممیز و مجنون تمایز قائل شد. از منظر ایشان مسئولیت پدر و مادر تنها نسبت به خطای صغیر ممیز، مسئولیت ناشی از فعل غیر است.<sup>۳۷</sup> در توجیه این رویکرد گفته شده در اتلاف، رابطه عرفی میان رفتار صغیر غیر ممیز و مجنون با ضرر نمی‌تواند رابطه علیت بین تقصیر سرپرست و ورود ضرر را از بین برد. لذا در این موارد، فرض مسئولیت ناشی از فعل غیر منتفی است.<sup>۳۸</sup>

در حقوق فرانسه سه مورد برای مسئولیت ناشی از فعل غیر در مواجهه با رفتارهای صغیر وجود دارد:

- مسئولیت پدر و مادر ناشی از رفتار کودک.
- مسئولیت استادکاران ناشی از رفتار کار آموزان.
- مسئولیت آموزگاران ناشی از رفتار دانش آموزان.

درباره مسئولیت نیابتی والدین در بند ۴ ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه آمده است: «از آن روی که پدر و مادر حق نگهداری فرزند را دارند، به طور تضامنی مسئول خسارت ایجاد شده توسط فرزندان صغیر خود که با آنها زندگی می‌کنند، هستند». چنانکه ملاحظه می‌شود یکی از موارد مهم این بند فرض تقصیر برای پدر و مادر است. در توجیه فرض تقصیر اینگونه استدلال گردیده که اگر یک کودک توانسته ضرری وارد نماید، به دلیل آن است که والدین به خوبی از وی مراقبت نکرده یا او را بد تربیت نموده‌اند. از این روی والدین ضامن فرزندشان هستند و این ضمانت به یک فرض قانونی مبدل شده است.<sup>۳۹</sup> دیوان عالی فرانسه در رأی مورخ ۱۹ فوریه ۱۹۹۷ پا را از این هم فراتر گذاشت و پدر و مادر را قهراً مسئول رفتار

Philippe maulaurie and Laurent ayness and Philippe stoffel-munck. 2004. Droit civil. Les obligations (France: 1é, éd. Editions juridiques associees, 2005), 377.

ناصر کاتوزیان، الزام‌های خارج از قرارداد، ضمان قهری، مسئولیت مدنی غصب و استیفاء (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵)، ۱۸۲

همان، ۱۸۱

Henri Mazeaud and Jean leon, Lecons de Droit civil, Obligation (Paris: 6e, ed, volume premier montchrestein, par francoic chabas, 1978), 498.

کودکان شان شناخته است<sup>۴۰</sup> بدین ترتیب هرچند تا پیش از این رأی والدین می‌توانستند به گونه‌ای خلاف فرض قانونی را اثبات کنند، اما در حال حاضر تنها در صورت اثبات قوه قاهره یا تقصیر زیان دیده می‌توان از مسئولیت فوق معاف شد.<sup>۴۱</sup>

### ۳-۲-۲- عاقله

بر اساس ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی «هرگاه صغیر یا مجنون یا غیررشید باعث ضرر غیر شود، ضامن است»، عمد مجنون مستتبط از بند (ب) ماده ۲۹۲ و ۴۶۳ قانون مجازات اسلامی در حکم خطا است. در صورت اثبات جنایت خطای محض با بیّنه، قسامه و یا علم قاضی، عاقله مسئول پرداخت دیه خواهد بود.

در چنین مواردی اگر مرتکب عاقله نداشته باشد و نیز در صورت عدم تمکن مالی عاقله، دیه توسط خود مرتکب پرداخت می‌شود و در صورت عدم تمکن مالی مرتکب، دیه از بیت المال پرداخت می‌شود. بدین ترتیب، عاقله با شرایط فوق برای دیه مترتب بر قتل یا ضرب و جرح مرتکب نابالغ و نیز برای دیه مترتب بر جنایات خطای محض، عمد و شبه عمد مجنون مسئولیت ناشی از فعل غیر دارد.<sup>۴۲</sup> این در حالی است که در همه این موارد عاقله مسئولیت نگهداری نداشته است. به نظر میرسد صرفاً رابطه خویشاوندی و حرکت در مسیر تضمین پرداخت خسارت موجب شده مسئولیت تضامنی برای عاقله در نظر گرفته شود. در واقع در این نمونه مسئول نیابتی با مباشر زیان ارتباط نسبی دارد.

### ۳-۲-۳- مسئولیت کارفرمایان

در ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی مقرر شده است: «کارفرمایانی که مشمول قانون کار هستند، مسئول جبران خساراتی می‌باشند که از طرف کارکنان اداری و کارگران آنان در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارد شده است، مگر اینکه محرز شود تمام احتیاط‌هایی که اوضاع و احوال قضیه ایجاب می‌نموده به عمل آورده یا اینکه اگر احتیاط‌های مزبور را به عمل می‌آورند، باز هم جلوگیری از ورود زیان مقدور نمی‌بود...».

در فرانسه بر اساس بندهای ۶ و ۷ ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی، آموزگاران و استاد کاران مسئول خسارت‌های ایجاد شده از سوی شاگردان و کارآموزانشان در بازه زمانی تحت تعلیم هستند. البته بند ۸ ماده مذکور اثبات تقصیر آموزگار را طبق قواعد عمومی لازم می‌داند، اما طبق قانون ۲۰ ژوئیه ۱۸۹۹ پس از اثبات تقصیر توسط زیان دیده، دولت باید خسارت زیان دیده را بپردازد.<sup>۴۳</sup> بر اساس بندهای پیش گفته مسئولیت استادکاران مبتنی بر فرض تقصیر بوده و برای احراز مسئولیت آنها لازم است که نخست او در امر آموزش و مراقبت از کارآموز کوتاهی کرده و مرتکب تقصیر شده باشد. دوم، رفتار زیان بار کارآموز ناشی از تقصیر وی باشد. سوم، این خسارت در زمانی که کارآموز تحت مراقبت استاد کار است، ایجاد شده باشد.<sup>۴۴</sup>

### ۳-۲-۴- مسئولیت متصدیان حمل و نقل

<sup>۴۰</sup> Patrice Jourdain, La societe responsable du fait de son gerant sure le fondement de l'article 1384, alinea 5 (France: un retour en arriere. RTD CIV, 2008), 104

<sup>۴۱</sup> Ibid. 108.

<sup>۴۲</sup> محمد آشوری، آیین دادرسی کیفری. ج اول (تهران: سمت، ۱۳۸۸)، ۲۹۲.

<sup>۴۳</sup> Patrice Jourdain, (op. cit.), 112

<sup>۴۴</sup> حسینقلی حسینی نژاد، مسئولیت مدنی (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، ۱۳۷۰)، ۴۲.

مسئولیت متصدیان حمل و نقل نسبت به زیان‌های ناشی از جرم کسانی که از طرف آنان مأمور حمل و نقل شده‌اند در ماده ۳۸۸ قانون تجارت پیش بینی شده است: «متصدی حمل و نقل مسئول حوادث و تقصیراتی است که در مدت حمل و نقل واقع شده اعم از اینکه خود مباشرت به حمل و نقل کرده و یا حمل و نقل کننده دیگری را مأمور کرده باشد...». بدین ترتیب مسئولیت نیابتی در این ماده به وضوح قابل استنباط است.

### ۳-۲-۵- مسئولیت مالکان کشتی و متصدیان حمل و نقل دریایی

بر اساس ماده ۶۹ «مالک کشتی شخصاً مسئول اعمال و تعهدات و قصور و خطاهای خود و نیز مسئول عملیات فرمانده و قراردادهایی است که وی ضمن انجام وظایف خود منعقد می‌کند. مالک کشتی همچنین مسئول عملیات کارکنان کشتی و مأموران مجازی که از طرف او به خدمت در کشتی گمارده شده‌اند، خواهد بود». از این رو، مالکان کشتی و متصدیان حمل و نقل دریایی نسبت به زیان‌های ناشی از جرایم کارکنان کشتی مسئول نیابتی هستند.

همچنین، ماده ۱۱۳ قانون پیش گفته مقرر می‌دارد: «۱- متصدی مسئول خسارات ناشی از فوت یا صدمات بدنی مسافر است مشروط بر اینکه حادثه‌ای که منجر به ایجاد خسارات گردیده، در جریان مسافرت و بر اثر غفلت و تقصیر متصدی حمل یا مأموران مجاز وی حین انجام وظیفه پیش آمده باشد.

۲. در صورتی که فوت یا صدمات بدنی ناشی از تصادم یا به گل نشستن یا انفجار یا حریق و یا غرق شدن کشتی باشد، فرض این است که حادثه بر اثر غفلت متصدی حمل و یا مأموران مجاز او اتفاق افتاده است، مگر آنکه خلاف آن اثبات گردد.

۳- به استثناء بند ۲ این ماده اثبات تقصیر و یا غفلت متصدی حمل یا مأموران مجاز او به عهده مدعی است.»

### ۳-۲-۶- مسئولیت دولت

مسئولیت دولت به سبب اعمال تصدی کارکنان دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آنها در ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی آمده است. این ماده چنین مقرر می‌کند: «کارمندان دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی خسارتی به اشخاص وارد نمایند، شخصاً مسئول جبران خسارت وارده می‌باشند، ولی هرگاه خسارت وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و مؤسسات مزبور باشد، در این صورت جبران خسارت بر عهده اداره یا مؤسسه مربوطه است ولی در موارد اعمال حاکمیت دولت، هرگاه اقداماتی که برحسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود، دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود». در قسمت نخست این ماده نیز مسئولیت نیابتی دولت تحت شرایطی محرز است.

### ۳-۳- مسئولیت ناشی از فعل غیر در احزاب

شاید در نگاه نخست در نظر گرفتن مسئولیت نیابتی برای احزاب پیشنهادی رادیکال به نظر برسد اما در نظام‌های حقوقی متعدد از جمله ایران زمینه‌های بسیاری وجود دارد که در آنها مسئولیت نیابتی به سازمانها برای اقدامات انجام شده توسط اعضا یا نمایندگان سازمان تحمیل می‌شود. در قانون بسیاری از کشورها یک شرکت ممکن است نه فقط به لحاظ مدنی بلکه حتی به لحاظ جزایی نسبت به اقدامات کارمندان شرکت مسئول تلقی شده است. این امر هم در افزایش مسئولیت پذیری شرکت موثر است و می‌تواند به مثابه مشوقی برای انجام اقدامات ضروری پیشگیرانه توسط شرکت در نظر گرفته

شود و هم تضمین مناسب تری برای جبران خسارات و پرداخت جزای نقدی را فراهم می آورد. هر چند مسئولیت نیابتی امروزه اصلی تثبیت شده است اما هنوز به احزاب سیاسی توسعه نیافته است.

نظام حقوقی اندونزی تلاش های بسیاری را در حوزه مبارزه با انواع فساد از جمله فساد سیاسی معمول داشته است. تصریحی که در قانون ضد فساد این کشور در برقراری مسئولیت نیابتی برای شرکت ها در زمینه فساد وجود دارد محل تامل است. بند ۲ ماده ۲۰ قانون ضد فساد اندونزی شخصیت حقوقی را در قبال اعمال فساد کارکنان ضامن معرفی نموده است و مسئولیت نیابتی را آشکارا به شرکت ها توسعه داده است. از آن رو که احزاب سیاسی بر اساس قوانین اندونزی دارای شخصیت حقوقی هستند به نظر می رسد می توان مسئولیت نیابتی را هم در حوزه جبران خسارت مدنی و هم در حوزه پرداخت جزای نقدی و مسئولیت کیفری به احزاب سیاسی توسعه داد.<sup>۴۵</sup>

با توجه به اینکه مسئولیت نیابتی بر اساس نظر منتخب نویسنده این نوشتار امری استثنایی نیست و در قامت یک قاعده می تواند در بسیاری از بستر های مسئولیت مدنی راهگشا باشد، بنظر می رسد ضرورت ندارد قانونگذار یک یک زمینه های قابل اجرا را احصاء نماید. لذا در صورت پذیرش مسئولیت نیابتی در حوزه مسئولیت مدنی می توان ان را در خصوص احزاب نیز توسعه دادهم مورد بهره برداری قرار داد.

حمایت حزب از شخصی به عنوان کاندیدا در پست های مختلف دولتی، سیاسی و تقنینی در پیشگاه ملت و متاثر نمودن آراء اکثریت در شکل گیری این انتخاب و نیز تاثیر هنجارهای درون یک حزب سیاسی بر تصمیمات سیاستمداران، نشان دهنده وجود رابطه مستحکم و تاثیرپذیری غیر قابل انکار شخص از حزب است. گاهی این اشخاص برخاسته از حزب در بدنه حکومت مرتکب فساد می شوند. در این موارد ارتکاب فساد سیاسی- اداری توسط آن دسته از اشخاص حقیقی صورت گرفته که به واقع نماینده و منتخب و تحت حمایت حزب در سمت های حکومتی هستند.

ارتباط این دسته افراد از چند حیث با حزب حائز اهمیت است:

- حزب می توانسته نقش پیشگیرانه داشته باشد.
- حزب به طور مستقیم یا غیر مستقیم منتفع شده است.
- حزب ایده پرداز و دستوردهنده بوده است.
- حزب می توانسته نظارت داشته باشد.

این مسئله ضرورت وجود مسئولیت ناشی از فعل غیر برای حزب در این خصوص را تقویت می نماید، حتی اگر رهبران احزاب سیاسی به طور خاص از اعمال فاسد مورد بحث اطلاع نداشته باشند یا آشکارا آن را تأیید نکرده باشند، ضرورت وجود چنین مسئولیتی احساس می شود.

این در حالی است که بر اساس قوانین مدون، احزاب سیاسی صرفاً تحت عناوین مباشر، معاون، شریک در جرایم سیاسی- اداری مسؤل می باشند. از این روی به نظر می رسد که در صورت انجام فساد اداری از سوی نمایندگان منتخب حزب در بدنه حکومت ارتباط غیر قابل انکار این افراد با حزب در اعطاء مسئولیت ها از جهات کیفری و مدنی یا اداری نادیده گرفته شده است.

---

Yanuaris Frans Manunuembun, Abdul Rachmad Budiono, Abdul Madjid, Bambang Sugiri, "Political Party's Vicarious Liability in Political Corruption Cases in Indonesia ", Journal of Arts & Humanities, 09 (2020);57.

ایجاد مسئولیت برای حزب، آن را در راستای اقدامات پیشگیرانه و نظارت محور حساستر خواهد نمود و از چند جهت قابل تامل است.

با توجه به شیوه‌های متنوعی که پیش روی مجرمین و متخلفین است ممکن است دارایی تحصیل شده به نحوی از دسترس خارج گردد و این امکان از دست برود. لذا یکی از مهمترین زوایای مواجه با مفاسد، جبران خسارات ایجاد شده و عودت دادن آن به بیت المال است، زیرا بار مالی ایجاد شده در برخی جرایم و تخلفات و جرایم آنچنان زیاد است که جبران را دشوار و گاه غیر ممکن می‌سازد که با توجه به توان مالی احزاب امکان جبران قابل تقویت است.

در بحث مسئولیت متبوع ناشی از عمل تابع به عنوان یکی از انواع مسئولیت ناشی از فعل غیر، شرایطی برای ایجاد مسئولیت برای متبوع ذکر شد. اولین این شرایط، احراز رابطه گماشتگی بود. با توجه به ارتباط حزب و سیاستمدار مورد حمایت حزب به نظر می‌رسد این گماشتگی قابل احراز است. هرچند رابطه استخدامی و قراردادی وجود ندارد. چنانچه در ماده ۱ قانون نحوه فعالیت احزاب و گروههای سیاسی مندرج است، حزب در تلاش برای کسب قدرت سیاسی است و حرکت به سمت آن علی القاعده از خلال سیاستمدار منتخب حزب به طور خاص دنبال خواهد شد.

عنصر نظارت متبوع بر تابع ضروری است. چنانچه متبوع بتواند جهت راهنمایی تابع دستوراتی صادر نماید و نسبت به اجرا یا عدم اجرای آنها نظارت داشته باشد، می‌توان رابطه را احراز نمود. چنین راهنمایی و نظارتی باید در راستای «فعالیت معینی» باشد که تابع به نفع متبوع انجام می‌دهد. در رابطه بین احزاب و سیاستمداران همانگونه که در فلسفه وجودی حزب نیز نهفته است، ارتباط به وجود آمده به صحنه انتخابات محدود نخواهد شد و در طول دوره مسئولیت نیز مفروض است؛ سیاستمدار در جلسات حزب مشارکت دارد، در راستای تعالیم و ایده‌های حزب حرکت می‌کند و از مشاوره و راهنمایی حزب بهره‌مند است. لذا حزب از بستر مناسبی برای نظارت و راهنمایی برخوردار است. همچنین سیاستمدار برخاسته از حزب در جهت اهداف، اندیشه‌ها و برنامه‌های ارائه شده از سوی حزب حرکت خواهد نمود.

شرط دیگر تحقق مسئولیت متبوع این است که شخص تابع را بتوان برای فعل زیانبار مسئول تلقی نمود.<sup>۴۶</sup> به تعبیری ارکان سه گانه مسئولیت یعنی ضرر، فعل زیانبار و رابطه سببیت در خصوص تابع باید موجود باشد تا بتوان مسئولیت متبوع را پذیرفت.<sup>۴۷</sup> در مسئولیت احزاب به عنوان متبوع نیز این مهم باید رعایت گردد.

شرط نهایی آن است که ارتکاب فعل زیانبار باید در هنگام انجام وظیفه یا به سبب آن باشد.<sup>۴۸</sup> در مفاسد سیاسی- اداری با توجه به تعریفی که از این جرایم شد، این شرط نیز منظور گردیده است. بنابراین به نظر می‌رسد شرایط برقراری مسئولیت ناشی از فعل غیر در بستر نظریه مسئولیت متبوع ناشی از عمل تابع در خصوص احزاب نسبت به مفاسد سیاسی- اداری سیاستمداران نشان فراهم است.

## نتیجه گیری

اقبال به اصل جبران کامل خسارت موجب گسترش روزافزون مسئولیت مدنی ناشی از عمل غیر گردیده است. هرچند در بدو امر این مسئولیت در بستر روابط و مسئولیت کارگر و کارفرما شکل گرفته است، اما در ادامه به همین امر بسنده نشد و نظریه‌ای شکل گرفت که بر اساس آن هرکجا رابطه تبعیت بین اشخاص وجود داشته باشد، افزون بر تابع به جهت ارتکاب

<sup>۴۶</sup> Fabre- Megan, (op. cit.), 866.

<sup>۴۷</sup> François Terré, (op. cit.), 715.

<sup>۴۸</sup> Philippe malaurie, (op. cit.), 377.

فعل زیانبار، متبوع نیز به سبب اقتداری که بر تابع دارد، باید مسئول تلقی گردد. در فقه و حقوق ایران نیز نمونه‌هایی از مسئولیت ناشی از فعل غیر و مسئولیت متبوع ناشی از فعل تابع وجود دارد. لذا به نظر می‌رسد طرح نظریه مسئولیت متبوع ناشی از عمل تابع در ایران هم در بستر رویه قضایی و هم در بستر تقنین امکان پذیر است. در زمینه مسئولیت مدنی حزب به عنوان متبوع ناشی از عمل تابع یعنی منتخب حزب در مناصب حکومتی اعم از تقنین یا اجرا می‌توان رابطه گماشتگی را با همه ارکان ضروری آن احراز نمود. لذا در صورت پذیرش اصل مسئولیت مدنی متبوع ناشی از عمل تابع می‌توان در جهت احراز مسئولیت مدنی حزب بر خسارات ناشی از فساد اداری- سیاسی منتخبین آنها نظر داد. پذیرش این مسئولیت می‌تواند از سویی احزاب را در راستای اقدامات پیشگیرانه و نظارت محور حساستر نماید و از سوی دیگر با توجه به توان مالی احزاب امکان جبران کامل بار مالی جرایم و تخلفات ایجاد شده امکانپذیر است.

## منابع

### الف-منابع فارسی

- آشوری، محمد. آیین دادرسی کیفری. ج اول. تهران: سمت، ۱۳۸۸.
- امیری قائم مقامی، عبدالمجید. حقوق تعهدات. ج ۱. چاپ اول. تهران: نشر میزان، ۱۳۷۸.
- اسماعیلی هریسی، ابراهیم. مبانی حقوق پیمان. تهران: جاودانه، ۱۳۸۷.
- بزرگمهر، امیر عباس. قوانین مسئولیت مدنی در نظام حقوقی ایران و فرانسه. چاپ اول. تهران: میزان، ۱۳۹۴.
- پاسبان، محمد رضا. حقوق شرکت های تجاری. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۹.
- تبریزی نیا، حسین. علل ناپایداری احزاب سیاسی در ایران. تهران: نشر بین الملل، ۱۳۷۱.
- تیندر، گلن. تفکر سیاسی. ترجمه محمد صدری. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.
- حسینی نژاد، حسینقلی. مسئولیت مدنی. چاپ ۱، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، ۱۳۷۰.
- خرمی، قاسم. «توسعه نیافتگی فرهنگ سیاسی و ناکارآمدی احزاب سیاسی ایران». پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷.
- دلاوری، ابوالفضل. «زمینه های ناپایداری احزاب سیاسی». فصلنامه نقد و نظر، شماره سوم و چهارم (۱۳۷۵): ۲۱۴-۲۴۹.
- رنجبر، احمد. تامین مالی احزاب سیاسی (بررسی تحلیلی مقایسه ای). تهران: دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷.
- دیلمی، احمد، ناهید زند لشنی و علی جوادیه. «مبانی مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر در حقوق انگلستان و ایران» نشریه علمی دانش حقوق مدنی ۱۸ (۱۳۹۹): ۶۷-۷۹.
- رینولدز، آندرو، اندرو ایلس و بن رایلی. دانشنامه نظام های انتخاباتی. ترجمه ابوذر رفیعی قهساره. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۰.

زین الدینی، امین. «مسئولیت نیابتی، تطبیقی در حقوق ایران و انگلیس، فصلنامه بین المللی قانون یار» دوره سوم، شماره دهم، (۱۳۹۸): ۷۴-۵۱.

سنهوری، عبدالرزاق احمد. الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید. ج ۱. بیروت: منشورات الحلبيه الحقوقیه، ۱۹۹۸.  
شاملی، مجید. «زمان تحقق شخصیت حقوقی در شرکت های سهامی». نشریه وکالت، شماره ۲۷، ۲۸، (۱۳۸۴): ۵۰-۵۶.  
صباحی، احمد، سعید ملک الساداتی. «اثر کنترل فساد مالی بر رشد اقتصادی». فصلنامه بازرگانی، شماره ۵۳، (۱۳۸۸):

۱۳۴-۱۳۹

صفایی، سید حسین. سید مرتضی قاسم زاده. حقوق مدنی اشخاص و مجبورین. چاپ هشتم. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۲.

فروند، ژولین. جامعه شناسی ماکس وبر. ترجمه عبدالحسین نیک گوهر. تهران: توتیا، ۱۳۸۳.

فتاحی، علی. «نقش احزاب در فرایند انتخابات؛ تاثیرات مثبت و منفی آنها». ۱۳۹۲/۴/۵، <https://www.shora-gc.ir/fa/news/3211/%D9%86%D9%82%D8%B4-%D8%A7%D8%AD%D8%B2%D8%A7%D8%A8-%D8%AF%D8%B1-%D9%81%D8%B1%D8%A2%DB%8C%D9%86%D8%AF-%D8%A7%D9%86%D8%AA%D8%AE%D8%A7%D8%A8%D8%A7%D8%AA-%D8%AA%D8%A3%D8%AB%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D8%AA-%D9%85%D8%AB%D8%A8%D8%AA-%D9%88>

(D9%85%D9%86%D9%81%DB%8C-%D8%A2%D9%86%D9%87%D8%A7(20/4/1402%

کاتوزیان، ناصر. الزام های خارج از قرارداد، ضمان قهری، مسئولیت مدنی غصب و استیفاء، چاپ هفتم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۵.

محمدی، زهره، محمد باوند پوری و محمد رحیم عیوضی. «نهادینه نشدن احزاب در ایران و تاثیر آن بر آینده انتخابات». سیاست پژوهی، دوره ۶، شماره ۱۳ (۱۳۹۸): ۱۲۱-۱۵۰.

نقیب زاده، احمد. حزب سیاسی و عملکرد آن در جوامع امروز. تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۸.

هیوز، استوارت. آگاهی و جامعه. ترجمه عزت الله فولادوند. تهران: آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹.

صفایی، ۱۳۸۶: ۲۴۲).

## ب-منابع خارجی

Bacache- Gibeili. , and Mireille. Driot civil. Les obligations. La responsabilite civil extracontractuelle. T. 5. 1é, éd. France: Economica, 2007

Benabat, Alain. Droit Civil. Les Obligations. 10 é, éd. France: Montchrestein, 2005.

Cabrillac.Remy.Droit des obligations. France: Dalloz, 2008.



Delebecque, Philippe. , and Frederic Jérôme pansier. Droit des Obligations.4 é, éd. France: LexisNexis, 2008.

Fabre- Megan. , and Muriel. Droit des Obligation. Responsabilite civile et Auasi-contracts. 1é, éd. France: Presses uniersitaires de France, 2007.

Jourdain, Patrice . "La société responsable du fait de son gérant sur le fondement de l'article 1384, alinéa 5: un retour en arrière". Revue trimestrielle de droit civil, 04 (2008): pp.680.

**Le Tourneau, Phillipe. Droit de la Resposibilite et des Contract. France: Dollaz, 2006.**

Mader, Kristin. The nature of vicarious liability. Canada: university of Toronto, 2002.

Malaurie, Philippe. , Laurent Aynès and Philippe Stoffel-munck. Droit civil. Les obligations. 1 é, éd. France: Editions juridiques associees, 2004.

Malinvaud, Philippe. Droit des obligations. 9 é, éd. France: LexisNexis, 2005.

Mazeaud, Henri. Jean Léon, lecons de droit civil, Obligation, volume premier. Paris: montchrestein, 2000.

**Manunuembun, Yanuaris Frans, Abdul Rachmad Budiono, Abdul Madjid, Bambang Sugiri, "Political Party's Vicarious Liability inPolitical Corruption Cases in Indonesia ", Journal of Arts Radé, Christophe, Droit a Réparation. Responsabilité du fait . & Humanities, 09 (2020);53-62.**  
d'autrui. Domaine: Responsabilite des Commettants. France: Responsabilité Civile et Assurances, 2007.

Steinle-Feuerbach. Marie. Droit des obligation. 1é, éd. . France: Ellipses edition marketing.s.a. , 2008.

Terré, François. Philippe Simler and Yves Lequette, Droit Civil. Les obligations.9é, éd. France: Dollaz, 2005.

Viney, Genevieve. , and Patrice Jourdian. Traite de Droit Civil. Les Condition de la Resposabilite Civile. France: Librairie Générale de Droit et de Jurisprudence, 1998.